



استثمار کودکان در جهان سوم

- در هندوستان و پاکستان، کودکان کارگر ر. ۶. کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند.
- یکی از دلایل افزون بودن میزان مرگ و میر در هند، بکارگیری شدیدتر دختران در سن کودکی است.
- بکار گرفتن کودکان، قبل از هر چیز معلول فقر است.
- * در حال حاضر ۲۵ تا ۳۰ ر. از مجموع کودکان در سن مدرسه، کار می‌کنند.
- * در مراکش (مغرب) اغلب دختران کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای قالبیافی روزانه ۱۲ ساعت در برابر دستمزدی ناچیز استثمار می‌شوند
- * استثمار کودکان در آمریکای لاتین همزمان با فقر و محدودیتهای ناشی از عوامل اقتصادی - اجتماعی راه یافته است.
- * بیش از ۳۴ میلیون کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در آمریکای لاتین به کار مشغولند.
- * در شمال شرقی برزیل، کارگر کشاورزی را تنها بر حسب جنس فیزیکی استخدام نمی‌کنند، بلکه بر حسب تعداد فرزندانش او را بکار می‌گیرند!

طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۷۷، متجاوز از ۵۳ میلیون کودک کمتر از ۱۵ سال بکار اشتغال داشتند که از این عده ۳۰ میلیون نفر در آسیای جنوبی ۹ میلیون در آسیای جنوب شرقی، ۹ میلیون نفر در آفریقا و ۳ میلیون در آمریکای لاتین توزیع شده بودند که سهم مهمی از نیروی فعال را تشکیل می‌دادند

متأسفانه برخلاف تبلیغات فراوانی که از طرف سازمان جهانی حمایت از کودک و وابسته به سازمان ملل متحد (یونیسف) میشود و علیرغم صدور اعلامیه حقوق کودک، نه تنها کار کودکان کاهش نیافته بلکه شدت نیز یافته است بطوریکه گزارش سازمان بین‌المللی کار در ۲۴ اوت ۱۹۷۹، وجود نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک کمتر از ۱۳ سال را که مجبورند در نقاط مختلف جهان بکار بپردازند اعلام میکند بدیهی است تعداد کودکانی که در کشورهای جهان سوم مشغول بکارند بیش از ارقام رسمی است زیرا اکثر آنها در فعالیتهایی اشتغال دارند که در آمارها ثبت نمی‌شوند، باید توجه داشت که مسأله کار کودکان تنها خاص کشورهای جهان سوم نیست بلکه در کشورهای پیشرفته بخصوص در اروپای جنوبی و ایالات متحده آمریکا نیز این مسأله وجود دارد برای مثال در ایتالیا بیش از یک میلیون کودک کار می‌کنند. در این مقاله سعی می‌شود مسأله کار کودکان در آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی مورد بررسی قرار گیرد.

در هندوستان

هندوستان یکی از کشورهاییست که بیش از هر جای دیگر کودکان در آن مورد استثمار قرار می‌گیرند و تعداد آنها به ۱۶ میلیون نفر بالغ میشود کودکانی که هرگز به مدرسه قدم نگذاشته و روزانه حدود ۱۲ ساعت کار در کارگاههایی که بصورت دخمه

های دلخراشی بوده و هیچگونه امکانات رفاهی و بهداشتی در آنها وجود ندارد، مزدی حدود ۲۵ روپیه دریافت می‌کنند.

در کلکته و در شهرهای بزرگ دیگر همواره گروهی از کودکان رامی‌بینی که در میان زباله‌ها دست و پا می‌زنند تا بتوانند هر چه بیشتر کاغذهای کهنه، مواد پلاستیکی، پارچه‌های کهنه، قوطی کنسرو پیدا کرده و با فروش آنها درآمد اندکی کسب کرده به حیات خود ادامه دهند.

در منطقه «سی واکازی» واقع در جنوب هند که مرکز کبریت‌سازی است چهل و پنج هزار کودک که بعضی از آنها فقط ۵ سال دارند مشغول به کار هستند و در حدود ۱۲ ساعت به کمک دستهای کوچک خود گوگرد بر سر چوبهای کبریت می‌گذارند که در ازای گوگردی کردن ۲۵۰۰ چوب کبریت یک هشتم روپیه و روزانه حداکثر ۲ روپیه مزد دریافت میکنند. این مسأله حدود نیم قرن است که وجود دارد و دولت نیز کاملاً از آن اطلاع دارد.

در پاکستان

در پاکستان نیز وضع چندان بهتر نیست و یکی از ریشه‌هایی که در آن کار کودکان بسیار رایج است قالیبافی است. در کارگاههای قالیبافی کودکانی هستند که گاه کمتر از ۶ سال دارند و از هر صبح الی ۱۵ یا ۱۶ ساعت کار میکنند و روزانه حداکثر ۱۰ روپیه مزد دریافت میکنند این کار بدین جهت به کودکان سپرده میشود که دارای انگشتان ظریفی هستند و در نتیجه سریعتر کار میکنند اغلب اینها که بین ۶ تا ۱۲ سال سن دارند و با مدرسه ناآشنا هستند قسمتی از مخارج خانواده خود را تأمین میکنند. دولت نیز با علم به این مسأله، کوششی در جهت کنترل این صنعت ندارد زیرا معتقد است که کشور احتیاج به ارز دارد!

در کارگاههای میکانیکی پاکستان نیز کودکان

استثمار کودکان در جهان سوم

و شاید این امر یکی از دلایل بالا بودن مرگ و میر زنان در این منطقه باشد در حالیکه در نقاط دیگر دنیا امید به زندگی برای زنان بیشتر از مردان است ماده ۲۴ قانون اساسی هندوستان حداقل سن کار را در کارخانه‌ها و معادن ۱۴ سال تعیین کرده است اما در کارخانه‌های کوچک و متوسط قانون اجرا نمیشود.

بعلاوه کنترل کار کودکان در کارگاه‌های کوچک غیر قابل شمارش و نیز در کارخانه‌های بزرگی که در موقع ورود بازرسان کودکان راهنهان می‌کنند بسیار مشکل است. در حالیکه قانون اساسی قید می‌کند که کودکان بایستی از تحصیلات اجباری و رایگان تا سن ۱۴ سالگی استفاده کنند. کار کودکان را چگونه میتوان توجیه کرد؟ کودکان در این منطقه از سن ۴ یا ۵ سالگی در خدمت خانوادگی روستائی خود در می‌آیند و از آنجا که کشاورزان درآمد بسیار کمی داشته و قادر به استخدام کارگر نیستند مانع رفتن فرزندانشان به مدرسه میشوند تا بتوانند آنها را بکار بگیرند.

در پاکستان علی‌رغم اینکه قانون کار افراد کمتر از ۱۴ سال را ممنوع کرده است بسیاری از کودکان بکار گرفته میشوند زیرا اولادین آنها قادر نیستند مخارج خانواده را تامین کنند و ثانیاً شرایط اقتصادی اجتماعی ایجاب می‌کند که کودک بیش از آنکه باری بردوش خانواده باشد یک عامل تولید باشد.

در هندوستان نیز شرکت کودکان در تامین بودجه خانواده کاملاً عادی بنظر میرسد و این امر یکی از دلایل شکست برنامه کنترل جمعیت در این کشور می‌باشد، در نتیجه بکار گرفتن کودکان قبل از هر چیز معلول فقر می‌باشد.

قسمت اعظم نیروی کار را تشکیل میدهند. آنها دوره یادگیری را تحت استثمار شدید که معمولاً از هفت یا هشت سالگی شروع میشود به پایان میرسانند که دوره آن بستگی به نظر کارفرما دارد که خود بندرت در کارگاه حضور دارد و غالباً از استثمار نیروی کار از زنان این کودکان امرار معاش میکند معذالک طاقت فرساترین خسته کننده ترین و خطرناکترین کارها برای کودکان کاریست که در ساختمان سازی در کنار والدین خود انجام میدهند.

مقاطع کاران در حقیقت خانواده را در بیست استخدام میکنند. در این رشته بعضی از کارها مخصوصاً برای زنان و کودکان رزرو شده است از قبیل: حفر زمین، حمل شن و سیمان روی سر، بریدن و خم کردن قطعات آهن و... بسیار نادر هستند مقاطع کارانی که اولار اعایت حال کودکان را بنمایند و در ثانی دستمزدها داده شده را (۱۰) روپیه برای بزرگسالان و ۵ روپیه برای کودکان در (روز) به خانواده‌ها بپردازند. در هند و پاکستان کودکان کارگر ۰.۶۰ کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند که تعداد پسران کارگر سه برابر دخترانی است که بکار اشتغال دارند که در این نسبت دخترانی که در خانه به کار مشغولند در نظر گرفته نشده است.

در هندوستان از دختران، کار بیشتر و مشکل‌تر انتظار میرود زیرا خانواده دختر می‌کوشد تا حداکثر درآمد را از کودک خود قبل از رفتن به خانه شوهر بدست آورد تا بتواند از این طریق پولی اندوخته و جهیزیه او را تهیه کند، این کار شدید و طاقت‌فرسا در سلامتی دختران اثرات سوء زیادی میگذارد.

استثمار کودکان در جهان سوم

در آسیای جنوب شرقی :

در آسیای جنوب شرقی وضع کودکان چندان بهتر از این منطقه نیست برای مثال در تایلند بیش از دو بیست هزار کودک بین ۱۰ تا ۱۲ سال بکار مشغولند و با وجود قانون ، کارفرماها همچنان به استثمار کودکان ادامه داده و قوانین موجود را زیر پا میگذارند . برای مثال در کارخانه ای که يك کودک ۱۳ ساله جان خود را از دست داده بود ، صاحب آن ، مرگ يك کارگر ۱۷ ساله را به پلیس گزارش کرد ! تا ایراد قانونی نداشته باشد و پروانه استثمارش از اعتبار ساقط نشود .

شگفت آور آنکه اگر چه طبق قانون ، کار کودکان کمتر از ۱۲ سال در تایلند ممنوع است به جز در کارهای سبک که کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال میتوانند با اجازه وزارت کشور بکار گرفته شوند ، خود دولت بیش از دو هزار کودک کمتر از ۱۲ سال را در بخش خدمات بکار گرفته است !

طبق گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۷۸ در تایلند بیش از ۲ میلیون کودک ۱۱ تا ۱۴ ساله پایایی بزرگسالان کار میگردند و ضمن يك آمارگیری ، ۸۰۰ هزار کودک مورد سؤال اولین دلیل مدرسه نرفتن خود را فقر مالی خانواده ابراز داشته اند این وضع بوسیله آژانس های کاریابی تشدید میشود زیرا والدین کودکان را باینکه در آمد کم فریب داده و بچه های آنها را به استثمار خود در می آورند که بعضی از این ها دیگر هرگز کودکان خود را نخواهند دید !

در هنگ کنگ بنابه آمارهای موجود ۳۶ هزار کودک کار می کنند که احتمالاً خیلی کمتر از واقعیت است از کودکان اغلب بعنوان کارگر غیر ماهر در بخش های مختلف بخصوص صنعت اسباب بازی

استفاده میشود . طبق قوانین هنگ کنگ بکار گرفتن کودکان بصورت تمام وقت و در ساعات مدرسه ممنوع است ، اما کارفرمایان براحتی به استثمار کودکان متوسل میشوند زیرا جریمه های احتمالی در برابر سود کلانی که از این طریق بدست می آورند ناچیز است . از طرف دیگر يك سیستم آژیر بسیار مدرن در اکثر کارخانه های هنگ کنگ نصب شده که به محض ورود يك بازرس ، در عرض چند لحظه تمام کودکانی را که بکار مشغولند پنهان می کنند

در آفریقا

طبق آمارهای سازمان بین المللی کار در آفریقا بیش از ۹۰ میلیون کودک کوچکتر از ۱۵ سال بکار اشتغال دارند .

در قاهره کودکان بسیاری دیده میشوند که همراه والدین خود از روستاها به شهر آمده و اغلب در کارهای ساختمانی بکار مشغولند .

۱۴۰۰ هزار کودک از ۹ تا ۱۰ ساله در مصر بکار مشغولند و در بعضی نواحی این رقم به ۲۲۰۰۰ و ۱۴ - ۱۰ سالگی به ۲۸۰۰۰ میرسد در حال حاضر ۲۵ تا ۳۰ هزار از مجموع کودکان مصر در سن مدرسه کار می کنند .

در مراکش (مغرب) اغلب دختران کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای قالیبافی روزانه ۱۲ ساعت در برابر دستمزد ناچیز استثمار میشوند .

کودکان غالباً در شرایطی بکار گرفته میشوند که بسیار طاقت فرساتر از شرایط کار بزرگسالان است و دستمزد اندکی که غالباً محدود میشود به يك غذای بخور و نمیر ، دریافت می کنند توسعه آموزش

و پرورش مخصوصاً در کشورهای بی مثل لیبی ، مصر الجزایر ، تونس و جنوب لبنان قاعده تاً بایستی از درصد کودکانی که کار میکنند بکاهد اما مشاهدات

استثمار کودکان در جهان سوم

کارشان بالاتر می‌رود. خصیصه فصلی بودن کشاورزی، که در فصل برداشت یک نیروی کارانبوه ولی موقتی مورد نیاز است که توسل به نیروی کار کودکان را توجیه می‌کند. در آرژانتین آداب و رسوم ایجاب می‌کند که خانواده‌ها کودکانشان را در فصل برداشت به یکدیگر قرض بدهند. با توسعه شهرگرایی و عدم تکافوی درآمد کارگران از روستا آمده کار کودکان که در روستای براساس آداب و رسوم خانوادگی انجام می‌گرفت بصورت امری اجباری ظاهر می‌شود و بدون بکار و داشتن کودکان زندگی روز مریه خانواده آنان امکان‌پذیر نیست و سیستم سرمایه داری به آن شکلی که تنها بر تمرکز ثروت و کسب سود بیشتر متکی است این مسأله را شدت می‌بخشد.

توسعه صنعتی در شهرهای بزرگ وضع زندگی کودکانی را که در اثر فقر مادی مجبورند بکار به بردازند بسیار طاقت‌فرسا و مشکل نموده است، زیرا پیشرفت تکنولوژی و مکانیزه کردن کارخانه‌ها تقاضا برای کارگران ماهر را افزایش داده و از نوجوانان بدون تخصص بی‌نیاز گشته است، لذا تنه‌راه ادامه حیات این نوجوانان بدون تخصص توسل به بخشهای سنتی مثل نساجی و کارهای دستی و شغل‌های متفرقه از قبیل واکسی، ماشین شویی... و در آخرین مرحله از روی ناچاری توسل به کارهای خلاف مثل دزدی و خودفروشی می‌باشد، بطوریکه در شمال شرقی برزیل حدود ۵۰ هزار نوجوان که بعضی از آنها حتی چهل و پنج سالگی نمی‌رسند و ادار به فحشاء شده‌اند در اکثر کشورهای آمریکای لاتین، کار کودکان کمتر از ۱۴ سال در قانون اساسی منع شده است و در بعضی از این کشورها مثل برزیل حداقل سن برای کار را ۱۲ سال تعیین کرده‌اند، اما از این بردن کار کودکان بوسیله قانون مانند از بین بردن فقر از طریق وضع قانون است.

(از جمهوری اسلامی شماره ۲۲۹ و ۲۳۱)

کودناگون نشان می‌دهد که تحقق این امر بعید بنظر می‌رسد زیرا در حال حاضر بسیاری از بچه‌ها در سن مدرسه بعد از ظهرها و یاحتی قسمتی از شب را کار می‌کنند. بنا به نوشته یک روزنامه بیروتی، دختران و پسران فلسطینی در سن ۵ تا ۱۵ سال در فصل برداشت محصول، روزانه حدود ۱۲ ساعت در اردن کار می‌کنند. استثمار کودکان که در آسیا و آفریقا بسیار رایج است، در آمریکای لاتین یک تاریخ بسیار کهن به قدمت آمریکای لاتین دارد مانند استثمار، و همزمان با فقر و محرومیت‌های ناشی از عوامل اقتصادی - اجتماعی در این قاره افزایش یافته است.

طبق آمار سازمان بین‌المللی کار، در این منطقه بیش از ۳۴ میلیون کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله کار می‌کنند (که حدود نصف آن در برزیل هستند) که اگر نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله کارگر را نیز به آن بیفزائیم، این رقم به ۱۵ میلیون می‌رسد. سابقاً کودکان همراه با بقیه افراد خانواده در کارهای کشاورزی شرکت می‌جستند و کارها به نسبت امکانات فیزیکی هر شخص تقسیم می‌شد و کار برای کودکان به معنی پیوستن، کنه گسستن به محیط خانوادگی بود در پرو «بولیوی» که هنوز بصورت نیمه خودکفا زندگی می‌کند نوع کار کودکان تغییر شکل داده است. از سن ۶ سالگی پسرها به نگهداری گله پرداخته و هاشیدن بذور ایام می‌گیرند در حالیکه دخترها تمام روز را به بافندگی و کارهای خانه اشتغال دارند.

بخش کشاورزی در آمریکای لاتین هنوز قسمت اعظم نیروی کار کودکان را به خود جذب کرده است اما کار کودکان شکل دیگری بخود گرفته است. دهقان که برای امرای معاش خود مجبور است روی زمین دیگران کار کند نیروی کار کودکان را نیز مجبور است عرضه کند بطوریکه در شمال شرقی برزیل کارگر کشاورزی را تنها بر حسب چته فیزیکی وی استخدام نمی‌کنند بلکه بر حسب تعداد فرزندانش او را بکار می‌گیرند زیرا در اینصورت بدون اینکه مزد بیشتری بپردازند راندمان